نگاه

فرجام ائتلاف شکننده در تراژدی یمن

عباس پرورده*

● تهاجم ائتلاف عربستان به یمن که از می ۲۰۱۵ شروع شد، اکنون با بروز اختلاف میان حوثی‌ها و «علی عبدالله صالح»، رئیس‌جمهور سابق که متحدشان در جنگ با ائتلاف عربی بود و کشته شدن صالح، تراژدی خانمان‌سوز جنگ را برای فقیرترین کشور عربی، به نقطه اوج نزدیک کرد. یک ماه پس از حمله عربستان به یمن، صالح که خود پیش از انقلاب‌های ۲۰۱۱ عربی، دیکتاتور یمن بود و با خیزش مردمی از قدرت خلع شد، به ناگاه با انصارالله ائتلاف کرد و یک سال بعد با حوثی‌ها برای تأسیس یک «شورای سیاسی» توافق کرد اما همان زمان بر آگاهان به سوابق علی عبدالله صالح که دو دهه هم رهبر حزب کنگره خلق یمن «حزب الموتمر الشعبی العام» و هم رئیس‌جمهور و درعین‌حال برخوردار از حمایت قبیله‌اش بود، معلوم بود که روی‌آوردن صالح به ائتلاف با انصارالله تاکتیکی سیاسی بیش نیست که برای هموارکردن مسیر بازپس‌گیری قدرت ازدست‌رفته صورت گرفته است. به‌ویژه که صالح در آن سال‌ها روابطی نزدیک با عربستان داشت و حتی دشمن حوثی‌ها بود؛ اگرچه خود او هم مثل حوثی‌ها مذهب زیدی داشت اما نقطه اشتراک صالح و حوثی‌ها در این ائتلاف، مذهب زیدی نبود که اساسا این دو اختلافات ایدئولوژیک زیادی داشتند، بلکه ساقط‌کردن «عبدربه منصور هادی» بود که پیش‌تر معاون صالح و اکنون با استقرار در عدن، در جنوب یمن غاصب جایگاه او محسوب می‌شد. اما آغاز فروپاشی ائتلاف شکننده میان انصارالله و صالح از اواسط سپتامبر سال جاری کلید خورد، زمانی که صالح انصارالله را گروهی شبه‌نظامی توصیف کرد و منجر به موضع‌گیری حوثی‌ها شد که این اقدام او را «خنجر از پشت» بنامند. پس از آن تیر خلاص به ائتلاف الموتمر و انصارالله را صالح هفته گذشته با پیشنهاد مذاکره با عربستان زد و از هوادارانش خواست مراکز تحت اختیار حوثی‌ها را در صنعا تصرف کنند. اقدامی که از سوی انصارالله یک کودتا تلقی می‌شد اما در مقابل با استقبال عربستان روبه‌رو شد که دیرزمانی انتظار آن را می‌کشید. اما اتفاقات بعدی حاکی از آن بود که حوثی‌ها آماده چنین پیمان‌شکنی‌ای از سوی صالح بودند و بلافاصله واکنش نشان داده است. از سوی دیگر، با اوج‌گیری بحران، ائتلاف عربی از فرصت ایجادشده بهره برد و حملات هوایی را به صنعا شدت بخشید. با وخیم‌شدن اوضاع، منابع عربستانی اعلام کردند «اسماعیل ولد شیخ احمد»، فرستاده سازمان ملل به یمن روز یکشنبه وارد عربستان شده تا با منصور هادی، رئیس‌جمهور مستعفی یمن دیدار کند؛ اگرچه با وجود کشته‌شدن صالح و همچنین افزایش بحران در پایتخت که مرکز ثقل حوثی‌هاست، به نظر نمی‌رسد اقدامات دیپلماتیک مؤثری انجام گیرد. به‌ویژه که با ضعف عملکرد سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی و به‌خصوص غالب‌بودن نگاه کشورهای حامی عربستان در شورای امنیت، انتظار اقدام جدی از سوی این نهادها در جهت کمک به حل بحران نمی‌رود. در این حال پیش‌بینی می‌شود در صورت ادامه بحران، یمن شاهد وخیم‌ترشدن وضعیت غیرنظامیان باشد. ضمن اینکه در میانه بحران، سازمان ملل نیز تصمیم به انتقال ۱۴۰ کارمند خود از صنعا گرفته که تنها نیروهای خارجی امدادی در این کشور بحران‌زده هستند و کمک‌های دارویی و غذایی در شرایطی که ائتلاف عربی همه راه‌ها را مسدود کرده، از طریق نیروهای سازمان ملل وارد یمن می‌شود. همچنین به‌دلیل شرایط وخیم انسانی در یمن و انزجار افکار عمومی بین‌المللی از حملات ائتلاف عربی که تاکنون منجر به قربانی‌شدن بیش از ۱۲ هزار نفر شده که عمدتا غیرنظامی بوده‌اند و شیوع قحطی و بیماری‌های واگیردار که از سوی سازمان ملل جنایت جنگی خوانده شد، آمریکا و اتحادیه اروپا با وجود اینکه میلیاردها دلار سلاح به عربستان و هم‌پیمانانش فروخته‌اند اما مواضع محتاطانه‌ای اتخاذ کرده و در این راستا سفیر آمریکا در یمن با انتشار بیانیه‌ای صرفا از پیامدهای درگیری‌ها میان نیروهای انصارالله و حامیان علی عبدالله صالح ابراز نگرانی کرده است. در چنین شرایطی، مهاجمان به یمن همچنان درصدد توجیه اقدامات خود با تمسک به ادعای حمایت ایران از انصارالله هستند. به نظر می‌رسد مدیریت رسانه‌ای و دیپلماتیک از سوی تهران برای برائت از چنین ادعایی در شرایط کنونی بسیار مهم است، زیرا چنین ادعای واهی‌ای تا حدی باعث مشروعیت‌بخشی کاذب به اقدامات غیرانسانی ائتلاف عربستان شده و مردم یمن هزینه‌های آن را می‌پردازند. ضمن اینکه درحال‌حاضر پیش‌بینی تعیین سرنوشت درگیری‌ها ساده نیست، به این دلیل که ارتش کنونی یمن نیرویی برآمده از ساختار قومی این کشور است و نه نیرویی ملی و فراگیر و حوثی‌ها نیز حداکثر ۴۰ درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند. درعین‌حال که یمن به سه بخش کلی تقسیم شده، بخش‌هایی از شرق در اختیار گروه‌های ستیزه‌جو، جنوب به مرکزیت عدن در اختیار هواداران منصور هادی و استان‌های صعده و صنعا در شمال در اختیار انصارالله قرار دارند. به لحاظ نظامی نیز نزدیک به سه سال جنگ حاکی از آن است که هیچ‌کدام از گروه‌های درگیر در جنگ توان کافی برای پیروزی را ندارند و در این میان یمنی‌ها هر روز بیشتر شاهد مصائب جنگ هستند.

*کارشناس مسائل خاورمیانه

دید بلندمدت داشته باشیم، نه فرصت‌طلبانه

ادامه از صفحه ۶

از گذشته بارها درباره این موضوع بحث شده و الان به‌طور جدی روی این مسئله بحث می‌شود. در یکی از این کمیته‌ها، این بحث یکی از نکات برجسته‌ای است که در دستور کار دو کشور قرار گرفته است که برای مقابله با کشت خشخاش و قاچاق آن، چه باید کرد و کشت جایگزین چیست؟ این همکاری بین دو کشور در سطوح مختلف وجود دارد؛ ولی این مسئله این‌قدر بزرگ است که به همکاری بین‌المللی نیاز دارد. باید همکاری بین کشورهای تولیدکننده و کشورهای متقاضی نیز وجود داشته باشد. یکی از پیامدهای بد جنگ تحمیلی در افغانستان، همین است. وقتی افغانستان نهادهای دولتی، امنیتی، عدلی و قضائی فعال داشت، همه مناطق کشور زیر کنترل امنیتی قرار داشتند و این مشکلات را نداشتیم. شاید در آن دوران در سراسر افغانستان یک معتاد پیدا نمی‌کردید. در برخی از مناطق فقط در حد مصرف تریاک، کشت خشخاش بود؛ ولی یکی از پیامدهای ناگوار نزدیک به چهار دهه جنگ تحمیلی و مهاجرت‌ها، موضوع اعتیاد در افغانستان است. کشوری که یک نفر معتاد نداشت، ارقام وحشتناک از معتادان را در خود جای داده است.

تروریستم در افغانستان

◄ حامد کرزی، رئیس‌جمهوری سابق افغانستان، در گفت‌وگویی از رشد و نفوذ داعش در افغانستان، به‌ویژه در شمال‌شرق و شمال‌غرب، جنوب، جنوب‌غرب و شرق منطقه شینواری و ننگرهار سخن گفته است؛ وضعیت تروریست‌ها در این منطقه چگونه است؟

در افغانستان بیش از ۲۰ گروه تروریستی بین‌المللی فعال هستند که هر عملیات عمدتا به نام داعش ختم می‌شود. داعش نیز با اقدامی داوطلبانه یا انگیزه‌های دیگری، مسئولیت این عملیات‌ها را بر عهده می‌گیرد؛ اما داعش به معنای آنچه در عراق و سوریه ظهور کرده، در افغانستان وجود ندارد. در افغانستان عمدتا همین ۲۰ گروه هستند که قبل از مطرح‌شدن نام داعش در آنجا فعال بودند و حالا هم فعالیت دارند.

◄ عمده‌ترین این گروه‌ها کدام هستند؟

اینها از طالبان گرفته تا القاعده، تشکل‌هایی از آسیای میانه، قفقاز، چچن، از گروه‌های پاکستانی و کشورهای خاورمیانه، از نقطه‌نظر ایدئولوژی، تفاوت چندانی ندارند؛ ولی در راه و روش آنها شاید تفاوت ناچیزی باشد. این مسئله‌ای است که افغانستان سال‌هاست با آن درگیر است. نقطه مشترک این گروه‌ها، این است که اینها برخاسته از خود افغانستان نیستند. همه این گروه‌ها از بیرون به افغانستان آمده‌اند.

◄ یارگیری‌های تروریست‌ها بیشتر از میان مردم افغانستان است یا غیرافغان‌ها؟

گاه توانسته‌اند عضوگیری از داخل کشور داشته باشند؛ ولی منشأ و اساس اینها از نقطه‌نظر تشکیل، آموزش، تجهیز و تهیه برنامه در بیرون از افغانستان صورت گرفته است. با اطمینان کامل می‌گویم، اگر این دخالت بیرونی نبود و اگر از بیرون تروریست بین‌المللی به این منطقه نفرستند، افغانستان در چند ماه به این مسئله پایان می‌دهد؛ چون در داخل افغانستان عوامل و زمینه‌هایی نداریم که افراد، گروه‌ها یا تشکل‌ها و احزاب دست به سلاح ببرند.

◄ چگونه چنین اطمینانی می‌دهید؟

قانون اساسی و قوانین جاری افغانستان هیچ محدودیتی بر هیچ گروه سیاسی در نظر نگرفته است و هرکس اگر اشتهای قدرت دارد، می‌تواند دست به تشکیل حزب، گروه، انجمن و ائتلاف زده و وارد انتخابات‌های مختلف شود؛ از انتخابات ریاست‌جمهوری که مهم‌ترین انتخابات کشور است تا انتخابات مجلس تا انتخابات شوراهای استانی و محلی. ما زندانی سیاسی و زندانی رأی نداریم. هرکسی در بیان عقیده و نظر خود آزاد است و می‌تواند جریده، رادیو، تلویزیون و روزنامه خود را داشته باشد. در چنین اوضاعی، مبارزه مسلحانه هیچ توجیهی ندارد. وقتی شرایط قانونی و عملی مهیا باشد، نیاز به سلاح و خشونت نیست. بنابراین گروه‌های تروریستی زاده و مطیع بیرون هستند. با قرائت‌های انحرافی از دین، این گروه‌ها مذبوحانه به فرقه‌گرایی دینی در افغانستان دامن می‌زنند تا فضا را برای مردم ناامن کنند.

◄ چرا هنوز دولت وحدت ملی اقدام مؤثری برای دورکردن داعش انجام نداده است؟

دولت و مردم افغانستان همه‌روزه در جنگ با این گروه‌ها هستند؛ همه‌روزه نیروهای امنیتی ما در این پیکار تلفات دارند؛ تهدید این جنگ متوجه مردم افغانستان و همه کشورهای منطقه است. افغانستان نه‌تنها به خاطر خود، بلکه به نیابت از کل همسایگان در پیکار با گروه‌های تروریستی است.

◄ ایران در مبارزه با داعش در میدان سوریه و عراق همکاری داشت؛ آیا ممکن است این همکاری بین ایران و افغانستان هم ایجاد شود؟

خوشبختانه یکی از عرصه‌های همکاری میان دو کشور همکاری در زمینه‌های امنیتی است. میان نهادها و ارگان‌های ذی‌ربط دو کشور تماس‌های مداومی وجود دارد. بدون شک از تجارب و رایزنی کشور برادر جمهوری اسلامی ایران در این عرصه همیشه استقبال شده است.

◄ نیروهای ناتو و نیروهای آمریکایی در افغانستان چه سهمی در سرکوب تروریست‌ها دارند؟

بار اصلی مبارزه با تروریست‌ها برعهده نیروهای امنیتی افغانستان است و نیروهای ائتلاف بین‌المللی نقش آموزشی، مشورتی و تجهیزاتی را بر عهده دارند.

◄ وضعیت نیروهای امنیتی افغانستان در صورت خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان چگونه خواهد بود و چگونه این مبارزه را پیش می‌برند؟

این نیروها هرروز آب‌دیده‌تر می‌شوند و ان‌شاءالله به اهداف خود دست خواهند یافت. از سال ۲۰۱۴ تاکنون نیروهای امنیتی افغانستان به تنهایی بار مبارزه با این گروه‌ها را به دوش گرفته‌اند. در مراحل مختلف این گروه‌ها عقب رانده شده‌اند. آنها می‌خواستند حداقل چند استان مهم را در اختیار گیرند مثلا در قندوز چندساعتی منطقه را در اختیار داشتند ولی در عمل نتوانستند موفق شوند. از سویی این تروریست‌ها بیشتر روی اهداف سهل و آسان سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ مثلا در مساجد، تکایا، محافل عزاداری و عروسی و مراکز متعدد یا در مناطق دورافتاده در مراکز حضور مردم دست به عملیات انتحاری و بمب‌گذاری می‌زنند. این دستاوردی مهم برای آنها نیست ولی با راه‌انداختن ارعاب می‌خواهند به اهداف خود برسند.

◄ در شرایط حاضر داعش در افغانستان پایگاه مشخصی دارد؟

خیر؛ گاه و بی‌گاه گروه‌های تروریستی حملات وحشیانه‌ای راه می‌اندازند و آبادی‌ها را آتش می‌زنند ولی در جایی دوام نمی‌آورند. هر جا که آنها ظهور می‌کنند نیروهای امنیتی افغانستان به دنبال آنها هستند. اینها متحرک هستند و در جایی که به‌لحاظ نظامی و استراتژیک اهمیت داشته باشد استقرار ندارند.

◄ در شینواری و ننگرهار چطور؟

در آنجا هم وضعیت همین است.

◄ شنیده می‌شود بین بخشی از طالبان و داعش اتحادی پیش آمده است؟

بله درست شنیده‌اید، عمدتا آنچه در افغانستان به‌عنوان داعش شناخته می‌شود همان عناصر سابق طالبان است که پرچم سفید خود را به رنگ سیاه تغییر و نام خود را تغییر داده‌اند. البته گروه‌های چندملیتی هم در بین اینهاست. اینها در برخی جاها باهم تقابل دارند و در برخی جاها آتش‌بس کرده‌اند و در برخی مناطق همکاری می‌کنند.

◄ یکی از مسائلی که از سال‌های گذشته تاکنون در افغانستان مورد نظر بوده، فرایند صلح با طالبان است. موانع صلح دولت افغانستان با طالبان را حول چه محورهایی ارزیابی می‌کنید؟

دولت افغانستان سال‌هاست که برای رسیدن به صلح در افغانستان مذاکره و گفت‌وگو را در دستور و سرلوحه کار خود قرار داده است. ولی تاکنون پاسخ قابل‌ملاحظه‌ای از طرف مقابل ندیده است. علت این است که اینها اراده‌ای از خود ندارند و کسانی که از این گروه‌ها استفاده ابزاری می‌کنند هنوز قانع نشده‌اند که امنیت افغانستان به‌نفع آنهاست.

◄ بسیاری معتقدند صلح دولت وحدت ملی با گلبدین حکمتیار به معنی این است که دولت نتوانسته طالبان را به سمت میز مذاکره بکشاند.

خواست اصلی دولت افغانستان این است که در میز مذاکره و از طریق گفت‌وگو راه‌حلی برای مشکلات پیدا کند. این به اراده طرف مقابل بستگی دارد وگرنه دولت در فکر صلح است. این اراده مربوط به کشورهایی است که این گروه‌ها را تأمین هزینه می‌کنند. آنها باید قانع شوند که ادامه ناآرامی در افغانستان دامن آن کشورها را هم خواهد گرفت. تا زمانی که این کشورها به این باور نرسند مشکل ادامه خواهد داشت ولی نیروهای امنیتی افغانستان و مردم افغانستان هر روز با تجربه‌تر و مصمم‌تر در برابر تروریست‌ها ایستادگی می‌کنند.

◄ حامد کرزی، رئیس‌جمهوری سابق افغانستان، دلایل ناامنی‌های اخیر افغانستان و حملات تروریستی در این کشور را نتیجه سیاست‌های نادرست آمریکا می‌داند. چرا؟

در افغانستان اظهارنظر برای هر شخصیت سیاسی و تشکل‌ها آزاد است؛ این زمزمه‌ها در هرجایی شنیده می‌شود؛ نه‌تنها در افغانستان، بلکه در عراق و سوریه هم این صداها شنیده می‌شود ولی اسناد موجهی ارائه نشده است. آنچه مسلم است، این است که این گروه‌ها به لحاظ پایگاهی، مالی و تجهیزاتی وابسته به بیرون هستند. مردم افغانستان در این ۴۰ سال می‌دانند جنگ یعنی چه، تأمین منابع مالی این جنگ از عهده مردم منطقه برنمی‌آید و این یعنی حمایت خارجی است که اینها را تأمین هزینه می‌کند.

سیاست داخلی افغانستان

◄ دو سال است که دوره کاری پارلمان افغانستان پایان یافته است و دولت نتوانسته انتخابات برگزار کند. دلیل این تأخیر چیست؟

عوامل متعددی در آن دخالت دارد؛ مانند عوامل لجستیکی؛ مانند تأمین هزینه انتخابات، برگه‌های رأی، کارت‌های شناسایی و تأمین امنیت و... . باید این مشکلات را آسیب‌شناسی کرده و آنها را حل کنیم تا در آینده دچار مشکلات نشویم.

◄ حکومت وحدت ملی در افغانستان نزدیک به سه سال است که به قدرت رسیده است که نتیجه آن تقسیم برابر قدرت میان رئیس‌جمهوری و رئیس اجرائی کشور است که جان کری، وزیر خارجه سابق آمریکا آن را پیشنهاد داده است. آیا این تأخیر به اختلاف میان کاخ ارگ و کاخ سپیدار مربوط می‌شود؟

عکس: ریوفه رستمی، شرق

خوشبختانه اختلافی وجود ندارد و همکاری کامل وجود دارد. رئیس‌جمهوری و رئیس اجرائی کشور اگر هر روز نباشد، حداقل هفته‌ای چند بار با همدیگر دیدار دارند؛ در سطح کابینه و در سطح جلسه شورای امنیت ملی و در مواردی که موضوع ایجاب می‌کند، این دیدارها صورت می‌گیرد. در مجموع اگر اختلافی وجود دارد، اختلاف دیدگاه است که در جلسات مطرح می‌شود و هر تصمیمی که در جمع گرفته می‌شود، تصمیمی نهایی و عملی است.

◄ گفته می‌شود آقای عبدالله عبدالله، به نظارت نهادهای بین‌المللی تأکید دارد ولی رئیس‌جمهوری افغانستان با این دخالت مخالفت می‌کند و این دلیل به‌تأخیرافتادن انتخابات پارلمان است؟

مسئله اصلا این‌گونه نیست که بیان می‌کنید؛ در انتخابات قبلی مشکلاتی پیش آمد و دولت نمی‌خواهد این مشکلات دوباره تکرار شود. کمیسیون‌های برگزارکننده انتخابات باید درست سازمان‌دهی شوند؛ کمبودها از بین برود و رأی‌دهندگان شناسایی شوند و بعد از انجام این کارهای فنی انتخابات برگزار شود. البته مسئله امنیتی هم در این تأخیر دخالت دارد اما مانع عمده نیست. نیروهای امنیتی اطمینان داده‌اند که می‌توانند انتخابات را در امنیت برگزار کنند؛ همان‌طوری که انتخابات ریاست‌جمهوری هم تحت‌تأثیر مسائل امنیتی نبود.

◄ در هفته‌های گذشته شاهد تأسیس «شورای عالی نجات افغانستان» بودیم که اشخاصی مانند «عطا محمدنور»، والی بلخ و رئیس اجرائی حزب جمعیت اسلامی، «ژنرال دوستم»، معاون اول ریاست‌جمهوری، «محمد محقق»، معاون دوم ریاست اجرائی دولت افغانستان در آن حضور دارند؛ بسیاری از مفسران و تحلیلگران، پایه‌گذاری این جریان را مترادف تشکیل یک اپوزیسیون داخلی علیه «محمد اشرف‌غنی» ارزیابی کردند و عده‌ای دیگر نگاه مثبت به آن دارند. فلسفه تأسیس این شورا چیست؟

همان‌طوری که گفتم در افغانستان تشکیل احزاب، انجمن و ائتلاف آزاد است؛ شورای نجات افغانستان هیچ‌وقت نگفتند که به‌خاطر ضدیت با دولت دست به چنین کاری زده‌اند؛ بلکه هدف خود را همکاری با دولت و اصلاحات در دولت و کشور عنوان کرده‌اند. اینها بارها تأکید کرده‌اند که جزء دولت هستند و برای تقویت و ثبات دولت تلاش می‌کنند.

◄ این افراد از نزدیکان دکتر عبدالله هستند؛ آیا این ائتلاف مورد تأیید خود ایشان هم است؟

این افراد در نخستین بیانیه خود و بیانیه‌های دیگر اعلام کرده‌اند که در فکر تضعیف دولت نیستند و به تقویت دولت و اصلاحات در دولت تلاش می‌ورزند.

◄ چرا باید شورای عالی نجات در کشور ترکیه تشکیل می‌شد؛ آیا این به‌دلیل محدودیت برای آنها و تبعید ژنرال دوستم به ترکیه نبود؟

آنها بیانیه اولیه را در ترکیه خوانده‌اند ولی در آن جمع گفته شده که تشکیل اساسی آن شورا در داخل افغانستان خواهد بود.

◄ حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، یکی از سازمان‌یافته‌ترین احزاب افغانستان است که ممکن است بنابر نزدیکی‌اش با اشرف‌غنی در آینده در انتخابات پارلمان نقش بالاتری ایفا کند. آینده، نقش، نفوذ و جایگاه حزب حکمتیار را با توجه به نوع تقسیم‌بندی‌های داخلی و نوع نگرش به مسائل افغانستان چگونه می‌بینید؟

این دو بخش دارد؛ یکی مشی صلح‌طلبانه دولت افغانستان است که دستیابی به صلح را در اولویت و سیاست و استراتژی خود قرار داده است. رسیدن به صلح با جناب حکمتیار و حزب اسلامی که از احزاب قدیمی و جهادی افغانستان است، نمونه این مشی و اراده سیاسی است. من فکر نمی‌کنم با این صلح موازنه قدرت در افغانستان تغییری جدی در پی داشته باشد. این حزب با شاخه‌هایی که داشت، در همه انتخابات گذشته حضور داشت. الان هم حزب اسلامی در دولت حضور دارد. البته حق طبیعی هر حزبی است که در پارلمان یا کابینه نماینده داشته باشند. البته ائتلاف‌های سیاسی در افغانستان سیال است؛ ممکن است گروهی در انتخابات موضعی اتخاذ کند که متفاوت با موضع قبلی آن بوده باشد.

ادامه در صفحه ۱۵

نگاه بیرون

روزهای دشوار یمن

ترجمه: آزاده بابایی‌نژاد

● در ساعت‌های نخستین بامداد روز سه‌شنبه، شبه‌نظامیان جنبش «انصارالله» که پیش‌تر به حوثی‌ها معروف بودند، جسد «علی عبدالله صالح»، رئیس‌جمهور سابق کشور یمن را تنها با حضور پنج نفر از خانواده او به خاک سپردند. مراسم خاک‌سپاری علی عبدالله صالح به شرطی برگزار شد که اعضای خانواده او نه‌تنها تلفن‌های همراه خود را خاموش، بلکه مکان دفنش را نیز محرمانه اعلان کنند. درهمین‌حال روزنامه نیویورک‌تایمز در مقاله‌ای با قلم «ریگ گلدستون» از مرگ وی به‌عنوان سرانجام خونین پنجمین دیکتاتور خاورمیانه یاد کرد و نوشت عبدالله صالح در زمانی از سوی انصارالله کشته شد که جنگ نیابتی در یمن به اوج خود رسیده و باید منتظر حوادثی به‌مراتب خونین و پرهزینه در این کشور باشیم. در تابستان دو سال پیش توافقی میان جنبش انصارالله یمن و کنگره مردمی یمن موسوم به (موتمر الشعبی) وابسته به علی عبدالله صالح درخصوص تشکیل شورای‌عالی سیاسی یمن به تصویب رسید. هدف از تشکیل شورای یادشده این بود که تلاش‌ها برای مبارزه با تجاوز سعودی‌ها و همراهان آنها هم‌افزا شود. در توافق مقرر شد در سال اول رئیس شورای‌عالی سیاسی از انصارالله و در سال دوم از کنگره مردمی یمن انتخاب شود. تغییر رهبری شورای‌عالی سیاسی از انصارالله به جریان علی عبدالله صالح در سالگرد نخستین سال تشکیل شورای‌عالی سیاسی یمن، بهانه‌ای شد برای تشدید تنش و دمیدن رسانه‌ها بر برخی اختلافات در صنعا. تنها چند ماه پس از این توافق رسانه‌ها و شخصیت‌ها، دو جریان حامی علی عبدالله صالح و انصارالله وارد تنش بی‌سابقه‌ای شدند. رهبر انصارالله این اتفاقات را بسیار خطرناک و توطئه سعودی‌ها برای درگیری جبهه صنعا در درون و ناامیدی مردم نامید و سعی کرد نوک انتقادات را به‌سوی عربستان‌سعودی بگیرد؛ اما سخنان علی عبدالله صالح در شبه‌نظامی‌نامیدن گروه‌های نظامی کمیته انقلاب یمن و اعلام آمادگی‌اش برای مذاکره با سعودی‌ها، هشدارها را حول احتمال خیانت علی عبدالله صالح به صنعا و انقلاب یمن بار دیگر جدی‌تر کرد.

politics@sharghdaily.ir